

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۷ مارچ ۲۰۲۰

## "غنی احمدزی" و انحصار تدویر جلسات!

۱

**جمعه- ۱۶ حوت ۱۳۹۸ - کابل:** هر چند شنیدن صدای انفجار بمب و راکت و نفیر گلوله در افغانستان کنونی، بیشتر از چهجه پرنندگان به گوش می رسد با آنهم از مدتی بود که در شهر کابل به ویژه در روز روشن کمتر شنیده می شد. این کاهش در برخی ها توهمی را به وجود آورده بود که گویا کشور ما نیز می تواند به طرف صلح و آرامش طی طریق نماید. تا این که :

امروز حوالی ظهر با استفاده از تعطیل روز جمعه، می خواستم در حد توان اقتصادی خانواده از "مندوی کوته سنگی" مقداری حبوبات خرید نمایم. هنوز خرید ما تمام نشده بود که شنیدن صدای فیر ماشیندارهای خفیف تقریباً از راه دور به نحوی ولوله و وارخطائی را بین خریداران و دکانداران به وجود آورد. چون فیر ها لحظه به لحظه شدیدتر و بلندتر می شد و صدای راکت نیز شنیده می شد، به مثابه یک عکس العمل طبیعی، از یک جانب دکانداران می خواستند هرچه زودتر خود را از شر مشتری سر ترازو خلاص کنند و از جانب دیگر خریداران نیز می خواستند هرچه زودتر خود را به جایگاه امنی برسانند.

بر همین مبنا نویسنده این سطور به همان مقداری که خریده بودم، قناعت نموده از "مندوی" بیرون و به سرک آمدم. در آنجا سراسیمگی بیشتری مشاهده می شد، بدون آن که کسی بداند که چه خبر است و جنگ بین کدام نیروها ادامه دارد. وقتی به خانه رسیدم و اندکی ترس خودم کاهش یافت و خاطر خانواده که از طریق رسانه های دیدنی از جنگ و حمله مهاجمان بر "دشت برچی" تا حدی اطلاع یافته بودند، جمع شد، کوشیدم تا ضمن توجه به رسانه ها، به تعدادی از دوستانی که در آن منطقه بودوباش دارند، تماس تلفونی نیز برقرار نمایم.

دوستی که از چندین سال بدین سو با هم در تماس هستیم و علی رغم تعلق قومی متفاوت، احترام و اعتماد متقابل بین ما حکمفرماست و در همان حوالی زندگانی می نماید، مختصراً یادآوری نمود، که امروز برای اولین بار از زمان روی کار آمدن دولت دست نشانده، باند های متعلق به "خلیلی" و "محقق" و بقیه شاخه های به اصطلاح "حزب وحدت اسلامی" که برای خود "می درنگانند" منهای چند تن محدود و معدود نزدیک به "سرور دانش" و بقایای به اصطلاح "جنبش روشنائی" که از قبل اعلامیه صادر نموده و نوشته بودند که روی دلایل امنیتی نمی خواهند در چنین بزرگداشتی اشتراک بورزند، می خواستند ۲۵ مین سالروز کشته شدن "عبدالعلی مزاری" را تجلیل نمایند.

مراسم به صورت عادی با مهمانان سرشناسی از طیف سیاستمداران "ضد ارگ" از "کرزی" گرفته تا "عبدالله" و از "خلیلی" و "محقق گرفته" تا "باطور دوستم" و "صلاح الدین ربانی" و ده ها عضو پارلمان ادامه داشت، که چند فرد مسلح از عمارت نیمه کاره محل تجمع در "مصلی مزاری" بر مردم آتش گشوده، ده ها نفر را کشته و مجروح نمود. به گفته آن دوست تا زمان مکالمه تلفونی بین ما یعنی ده دقیقه گذشته از ساعت ۲ بعد از ظهر، درگیری و فیر متقابل بین مهاجمان از یک سو و نیروهای امنیتی دولت دست نشانده و باداران خارجی شان از سوی دیگر به شدت ادامه دارد. هموطنان گرامی!

شنیدن خبر و اطلاع از این که باز هم و به مانند سالهای پار حین مراسم بزرگداشت و یاددهانی از راسیست جنایتکار "عبدالعلی مزاری" محل تجمع مورد حمله قرار گرفته و در نتیجه به اساس اطلاعاتی که رسانه ها پخش می نمایند، ۲۷ تن کشته و بین ۶۰ الی ۸۰ تن دیگر زخمی شده اند و تمام کشته ها و زخمی ها توده های مظلوم و بی پناهی بوده اند که همیشه گوشت دم توپ جنگ قدرت بین دشمنان افغانستان و وحدت اقوام بوده اند، من را واداشت تا خلاف تصمیم قبلی که می خواستم به ارتباط عقد معاهده صلح از دید امریکا و رابطه آن با بمباردمان مواضع طالب بنویسم، یادداشت امروز و چه بسا فردا را نیز به بررسی و تحلیل این حمله اختصاص دهم.

از قبل باید بنویسم که به جای تحلیل، چرائی و عواقب چنین حمله ای را بررسی نمودن، تنها به محکوم نمودن و یا "زارگریستن" اکتفاء نمودن به همان اندازه غیر مسؤولانه و در نتیجه ارتجاعیست، که شادمان شدن از کشته چند انسان مظلوم و بی پناه آنها صرف بنا بر تعلقات قومی و نژادی و هزاره بودن آنها ارتجاعی و ضد انقلابی می باشد. ادامه دارد